

سیدمحمدتقی علوی \*

## نگاهی بر تاریخ فقه و ادوار مختلف آن

### مقدمه

انسان موجودی است اجتماعی و زندگی در اجتماع محتاج وضع قانون است چون خواسته ها و تمایلات انسانها با یکدیگر در تعارض بوده و باید حقوق و وظائف افراد نسبت بهم معین شود . بهترین و کاملترین قانونی که میتواند پاسخگوی نیازهای فردی و اجتماعی انسان باشد، قانونی است که توسط آفریدگاریکتا وضع شود. بدلیل اینکه او به تمامی نیازهای انسانی واقف بوده و به همه اسباب و عواملی که او را به سعادت دنیوی و اخروی رهنمون می شود آگاه است . مصدر و منبع قانونی که او جلّ اسمه وضع کرده ، قرآن شریف است که در ضمن حدود پانصد آیه که به آیات الاحکام معروفند عمدتاً کلیات و اصول قوانین را بیان کرده است و سنت دومین منبع مهم قانونگذاری است و علاوه بر اینکه خود مصدر قانون است مفسر قرآن نیز می باشد. بطور کلی تعلیمات دینی به

---

\* عضو هیأت علمی گروه حقوق دانشگاه تبریز.

به سه دسته عمده تقسیم شده است :

۱ - مسائل مربوط به اعتقادات و جهان بینی اسلامی.

۲ - مسائل مربوط به اخلاقیات و تربیت اسلامی.

۳ - اجتماعیات اسلامی و یا عبادات اسلامی و یا مقررات

مدنی اسلامی و یا آداب خاص اسلامی در زندگی فردی و یا اجتماعی  
و غیره .<sup>۱</sup>

و فقیه در اصطلاح کسی است که در این قسم سوم از تعلیمات  
اسلام تخصص داشته و با مراجعه به مصادر تشریح و دلایل تفصیلی  
احکام شرعی را استخراج و در اختیار مکلفین قرار می‌دهد.

البته کلمه فقه و مشتقات آن ، در قرآن در بعضی آیات -  
بمعنای " فهم " آمده است چنانکه در آیه شریفه " وان من شیء الا -  
یسبح بحمده و لکن لاتفقهون " یعنی : نیست چیزی جز آنکه تسبیح  
گوید بسیار او و لیکن شما آنها را فهم نمی کنید. " و در بعضی  
مراد بمعنای پیدا کردن بصیرت در دین که شامل هر سه شعبه شوون  
اسلامی است ، آمده چنانکه در آیه شریفه<sup>۲</sup> " فلولا نفر من کل فرقه  
منهم طائفه - لیتفقوا فی الدین ولینذروا قومهم اذ رجعوا الیهم لعلهم  
یحذرون " یعنی چرا بیرون نمی روند و کوچ نمی کنند از هر دسته‌ای از  
آنان طائفه ای تا اینکه تفقه کنند در دین ( دین شناس بشوند ) و تا  
اینکه بنرسانند خویشان خود را ، زمانی که برگشتند بسوی آنها شایسد  
خویشان آنها بترسند. "

این کلمه بعدها در معنای خاصی مصطلح گردید که عبارت است  
از علم به احکامی شرعی فرعی که از ادله تفصیلیه بدست آمده باشد .

و منظور از ادله تفصیلی کتاب ، سنت ، اجماع و عقل می باشد. و فقیه یعنی کسیکه عالم به دانش فقه است ، باید حکم شرعی را از روی نظر و با استدلال ، از آن دلایل و مآخذ بدست آورد:

علم فقه نیز همانند علوم دیگر در بستر زمان و در ادوار مختلف تحولات و تغییراتی بخود دیده است و دانستن آنها از اهمیتی خاص برخوردار می باشد: مطالعه چگونگی شکل یافتن آراء و افکار عامیای سلف ، زمان تدوین و پیدایش این آراء و چگونگی تحول آن در گذر زمان ، به تاریخ فقه مربوط می شود. استاد محمود شهابی در تعریف تاریخ ادوار فقه گفته است: <sup>۴</sup> " تاریخ ادوار فقه عبارتست از علم به گذشته احکام عملی اسلامی از حیث صدور و عوارض و از حیث استنباط و لوازم و مناسبات آن " .

در بیان تفاوت بین فقه و تاریخ فقه ، در کتاب تاریخ فقه جعفری آمده است: <sup>۵</sup> " تفاوت میان فقه و تاریخ فقه همان تفاوت میان انسان و تاریخ انسان است بگونه ای که هرگاه از طبیعت ، غرائز و امکانات انسان بحث شود سخن از خود انسان رفته است ولی اگر در باره چگونگی پیدایش انسان ، دوره هائی که براو گذشته است و آثاری که بر جای نهاده بحث شود، آنگاه تاریخ انسان بیان شده است و به همین ترتیب است در مورد فقه و تاریخ فقه . بنحوی که هرگاه از احکام شرعی و رجوع به منابع و مصادر آن سخن گفته شود بحث در فقه است و هرگاه از چگونگی شکل گرفتن آراء و افکار گذشتگان ، زمان تدوین این افکار و چگونگی تاثیر آنها بحث بمیان آید، موضوع بحث تاریخ فقه خواهد بود."

## اجتهاد

اجتهاد از ماده جهد گرفته شده است و جهد بمعنای منتهای کوشش می باشد. به فقیه ، مجتهد گفته می شود چون نهایت کوشش و تلاش خود را بکار می گیرند تا احکام را از منابع اولیه خود استخراج نمایند. بعد از رحلت رسول گرامی اسلام اهل سنت ، تن به خلافت بلافضل علی علیه السلام ندادند و منبع استخراج احکام را منحصر در قرآن و سنت پیغمبر اکرم (ص) کردند و در برابر سوالات و مسائل مستحدثه ایکه بوجود می آمد، اگر در آن دو منبع پاسخی نمی یافتند به منبع سومی متوسل می شدند که بعدها به عنوان " اجتهاد رای " در اشکال قیاس و استحسان و مصالح مرسله شهرت یافت . پس این کلمه اولین بار توسط اهل سنت بکار رفته و وقتی مورد استفاده قرار می گرفته که فقیه نصی از کتاب و سنت نیابد در این صورت می توانسته به تفکر شخصی خود مراجعه کند . نکته قابل توجه این است که اجتهاد در این معنی برای فقیه یک دلیل محسوب شده و به عنوان یکی از منابع صدور حکم بشمار می رود.

برخی از محققین اهل سنت صریحا به این معنی اعتراف کرده و گفته اند : " نخستین منبع فالونگذاری در اسلام نص و سپس رای است. نص اعم از کتاب یا سنت بردیگر دلایل مقدم است و کلیه مذاهب بر آن متفقند و به هنگام نبودن نص ، رای مورد توجه قرار می گیرد و در رجوع به رای ، نخست به رای مورد اجماع مجتهدان یک دوره و زمان یعنی اجماع باید توجه کرد و سپس به رای مبتنی بر قیاس " .

برخی از علماء اهل سنت مانند محمد بن ادریس شافعی،

اجتهاد به‌رای را فقط در قالب قیاس قابل قبول دانسته‌اند یعنی موارد مشابه در نظر گرفته می‌شود و در قضیه مورد نظر، مطابق آن موارد حکم می‌شود ولی دسته دیگری از فقهاء اهل سنت مانند مالک بن انس، اجتهاد را منحصر به قیاس ندانسته بلکه استحسان را هم معتبر می‌دانند یعنی مستقلاً بدون در نظر گرفتن موارد مشابه، می‌بینند اقرب به حق و عدالت چیست و ذوق و عقل آنها چه می‌پسندد و همان طور رای می‌دهند.

#### نظر شیعه در مورد اجتهاد

شیعه اجتهاد به رای رانمی پذیرد و در این مورد نکوهش‌های زیادی از ائمه علیهم‌الآف التحیه والسلام رسیده است. چون فقیه با عمل به قیاس و استحسان و مصالح مرسله و سدزرایع<sup>۶</sup> و - از ظن و گمان خو دپیروی می‌کند، بنظر شیعه هیچ موضوعی، خالی از حکم نیست و همه احکام مورد نیاز بشر در اختیار پیامبرگرمی اسلام قرار گرفته‌است و ایشان هم با توجه به پیش آمدها و نیازهای مسلمانان، بصورت تدریجی، احکام را در اختیار آنها قرار داده‌است. در کتاب تاریخ اجتهاد و تقلید در این زمینه آمده‌است<sup>۷</sup>: " قسمت قابل توجهی از احکام که موجباتی برای ابلاغ آن در زمان پیامبر پیش نیامد و یا مورد ابتلاء مردم نبود، پیغمبر (ص) تمام این احکام را نزد اوصیاء

\* در مورد چهار اصطلاح مذکور که از منابع فقه اهل سنت محسوب میشوند، در آخر مقاله توضیح مختصری داده شده است.

خود (ع) گذاشت تا آنکه در فرصت های متناسب برطبق مصالح و نیازمندی ها تدریجا به مردم ابلاغ کنند."

ائمه اطهار علیهم السلام علاوه بر جزئیات ، قواعد و اصولی را مقرر فرموده اند که قابل تطبیق بر فروع و جزئیات مورد نیاز بشر برای همیشه تاریخ می باشد چنانکه از آن ذوات مقدسه روایت شده که :  
 " علینا القاء الاصول و علیکم ان تفرعوا " یعنی برماست که قواعد و کلیات را بیان کنیم و بر شماست که آن قواعد و کلیات را بر فروع و جزئیات تطبیق بدهید.

پس مجتهد و فقیه از دیدگاه شیعه کسی است که تمام کوشش و تلاش خود را بکار می گیرد تا احکام شرعی موضوعات مختلف را از دو مصدر اصلی تشریح یعنی کتاب و سنت بدست آورد. و همین است که برخی از محققان گفته اند:<sup>۸</sup> " اجتهاد با فعالیت فکری بشری و جستجوی نهایی فکری از دو قسمت بدست می آید:

۱ - جستجو برای بدست آوردن نص<sup>۹</sup> .

۲ - جستجو برای استنباط حکم از نص<sup>۹</sup> .

#### ادوار فقه

محققان از جنبه های مختلف ، دوره های تاریخی فقه را به سه قسم تقسیم کرده اند. استاد محمود شهابی دوره های اصلی یا اصول دوره های تاریخی فقه ( احکام و تکالیف ) را به دو قسم تقسیم نموده است<sup>۹</sup> :

۱ - دوره تشریح یا صدور احکام

۲ - دوره تفریح یا دوره استخراج و استنباط احکام

### دوره تشریح

شارع برای تنظیم روابط انسانیها و بیان حقوق و وظائف افراد قوانینی را وضع کرده که از آن تعبیر به "تشریح" شده است. این دوره با بعثت رسول اکرم (ص) و نزول اولین آیه به ایشان شروع و در نزد اهل سنت با رحلت آن بزرگوار خاتمه می یابد. شیعه بجهت اینکسه سنت را تعمیم بخشیده و علاوه بر سنت پیامبر اکرم (ص)، سنت ائمه علیهم السلام یعنی قول و فعل و تقریر آنها را نیز حجت و معتبر می داند دوره حضور ائمه (ع) را نیز دوره تشریح می داند.

بنظر شیعه همانطوریکه پیامبر اکرم (ص) در هیچ حکمی اجتهاد نکرده است، علم ائمه علیهم السلام نیز از راه اجتهاد نمی باشد، بلکه پیامبر اکرم (ص) این علم را از راه وصایت و ودیعه نهادن به آنها منتقل کرده است و همانطوریکه پیامبر (ص) در بیان احکام شرعی از خطا مصون بوده ائمه (ع) نیز معصوم بوده و در بیان احکام شرعی از خطا مصون می باشند. لازم به ذکر است که بعضی از علمای عامه نیز معتقدند که پیامبر (ص) در هیچ حکمی از راه رأی شخصی اجتهاد نکرده و بدون تفویض و اذن خداوند حکمی را بیان نداشته است از جمله آنها ابوعلی محمد جبائی معتزلی، ابوهاشم عبدالسلام، علامه ابن حزم اندلسی، امام فخر رازی و محمد بن اسماعیل بخاری و... را می توان نام برد.

در کتاب ادوار اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی<sup>۱۵</sup>، بر عسدم  
اجتهاد پیامبر (ص) دلایلی ذکر شده که آنها را فقط نام برده و برخی  
را توضیح می دهیم :

۱ - تصور نداشتن اجتهاد در مورد پیامبر (ص)

۲ - عدم نیاز پیامبر (ص) به اجتهاد

۳ - عدم نقل اجتهاد از پیامبر

۴ - قرار داشتن اجتهاد در معرض خدا

۵ - آیات قرآنی

نویسنده در مورد تصور نداشتن اجتهاد در مورد پیامبر فرموده اند:  
" با توجه به تعریف واژه اجتهاد از سوی اهل سنت و همچنین  
شیعه می توان دریافت که تصور اجتهاد با مفهوم اصطلاحی و رایجش  
در مورد پیامبر (ص) راه ندارد. علمای اهل سنت مانند سیف الدین  
آمدی شافعی در کتاب " الاحکام فی اصول الاحکام " و نیز ابن حاجب  
مالکی در مختصر الاصول و... در تعریف اجتهاد گفته اند: " اجتهاد  
عبارت است از بکارگیری تلاش و توان در جهت رسیدن به ظن و گمان  
در حکمی از احکام شرعی و حوادث واقعه تا حدی که انسان احساس کند  
نهایت تلاش خود را بکار برده است ". بعضی از علمای شیعه مانند  
علامه حلی در کتاب اصولیش " نهاییه " گفته اند: " اجتهاد عبارت است  
از بکارگیری سعی و کوشش برای تحصیل ظنّ به حکم شرعی بگونه ای که  
جائی برای ملامت و نکوهش به سبب تقصیر و کوتاهی باقی نماند. "  
تعریف های دیگری از سوی دانشمندان دیگر برای اجتهاد بیان شده



است در مجموع نمی توان اجتهاد با آن تعریف و مفهوم ها را به پیامبر (ص) نسبت داد، زیرا در همه آنها ابتدا جهل مجتهد به حکم فرض شده است و سپس تلاش از برای تحصیل علم و حجت برای حکم و مساله جهل به حکم شرعی، و تلاش برای تحصیل حجت و گمان در مسأله پیامبر تصور ندارد. چونکه او به سرچشمه وحی راه دارد و نیازی ندارد مانند افراد عادی که ناچارند برای شناخت مساله و حکمی در کویر ذهن خویش به کندوکاو بپردازند تا قطره ای از آب یقین بجویند به رای شخصی خود رو آورد..."

دیگر اینکه در هیچ کتابی در مورد اجتهاد پیامبر (ص) در حوادث واقعه مطلبی نقل نشده است و اگر اجتهادی از آن حضرت سرزده بود حتما نقل می شد و بنا بنقل آیه ۱۰۰ جنّاتی ، علاّمه ابو حامد غزالی نیز در کتاب المستصفی ( ج ۲ / ص ۳۵۶ ) به این دلیل اشاره دارد.

### دوره تفریع

دوره تفریع به دوره ای اطلاق می شود که فقهاء دست به اجتهاد زده و احکام شرعی را از ادلّه شرعی استنباط و استخراج می کنند . همانطوریکه گفتیم کتاب و سنّت مصدر و ریشه های اصلی جعل احکام و قوانین محسوب می شوند و پاره ای از احکام که صریحا در این دو منبع یافت نشود به صورت تفریع بر اصل بیان می شود و تفریع یعنی شاخه زدن و از اصل به فرع رفتن و بعبارت دیگر رد فروع بر اصول و تطبیق اصول بر فروع، کتاب و سنّت قواعد و کلیّات احکام و قوانین را بیان کرده و وظیفه فقهاء این است که آن کلیّات و قواعد را بر جزئیّات

و فروع تطبیق بدهند.

### عمر صحابه

صحابه جمع صاحب بمعنی یار است و در اصطلاح به کسانی گفته می شود که در حال اسلام ، بملاقات پیامبر (ص) مشرف شده و از آن حضرت تحمّل حفظ حدیث کرده و بحال ایمان هم از دنیا رفته اند.

### عده صحابه

برخی عده صحابه را صد هزار نفر ذکر کرده اند چنانکه ابن حجر عسقلانی از علی بن زرعه نقل کرده که وی گفته است : بعد از وفات پیغمبر (ص) زیاده از یکصد هزار زن و مرد بودند که از پیغمبر روایت می کردند و فاضل ممقانی در مقیاس الهدایه عده صحابه را یکصد و چهارده هزار نفر ذکر کرده است.<sup>۱۱</sup>

ابن عباس و سلمان فارسی و ابوذر غفاری و ابورافع ابراهیم از اصحاب رسول گرامی اسلام (ص) و علی بن ابیطالب علیهما السلام جز و فقهای بزرگ عمر صحابه بشمار می روند. نجاشی ، ابورافع را از اولین کسانی می داند که در مکه اسلام آورد و به مدینه هجرت کرد و بعد از پیامبر (ص) ، ملازم علی (ع) و از بزرگان شیعه بود و کتاب " السنن والاحکام والقضاء " نوشته اوست.<sup>۱۲</sup>

در زمانیکه عمر بن خطاب بشدت از تدوین سنت نبوی ————— چلوگیری می کرد، فقهاء شیعه مشغول تدوین احادیث نبوی بودند و اهل سنت تا زمان عمر بن عبدالعزیز که به محمد بن مسلم بن شهاب -

الزهري ، دستور تدوين حديث را داده هيچ اثرمدون حديثي نداشتند اميرالمومنين علي (ع) اولين كسي است كه در فقه كتابي تصنيف کرده و احاديث نبوي را تدوين نموده است . كتابهاي ديگري كسسه در اين زمان نوشته شده است كتاب سلمان فارسي و كتاب ابوذرغفاري و كتاب اصبح نياته و ابو رافع و عبيدا... بن ابي رافع و... مي باشد.

### عصرتابعان

تابعين جمع تابع بوده و تابع بر كسي گفته مي شود كه پيامبر اكرم (ص) را نديده ولي اصحاب او را در حال اسلام درك کرده است و كسيكه هيچيك از اصحاب او را در حال اسلام درك نكرده ولي تابعين آنها را ديدار کرده باشد تابع تابعين اطلاق مي شود. اين عصر از آغاز قرن دوم شروع مي شود و بنا بر عللي از جمله نپذيرفتن احاديث اهل بيست رسول خدا عليهم السلام و عدم تدوين حديث در ميان اهل سنت كه در نتيجه منع شديد ابوبكر و عمر پيش آمده بود و تا نيمه هاي قرن دوم - هجري ادامه داشت ، اجتهاد از راه رای رواج پيدا کرده و فقه های بزرگ تابعين اهل سنت از راه رای احكامی رابيان کرده اند.<sup>۱۳</sup>

در اين زمان دو مكتب مهم فقهی در ميان اهل سنت بوجود مي آيد كه هر کدام روش و گرايشی خاص داشتند و همدیگر را نفی مي كردند دسته طرفدار رای در عراق (كوفه) و برياست ابوحنيفه نعمان بن ثابت ( م ۱۵۰ هـ ) و دسته طرفدار حديث در حجاز و برياست مالك بن انس ( م ۱۷۰ هـ ) بودند. ابوحنيفه اصالتا ايراني بود و در سال ۸۰ هجري در كوفه بدنيا آمد و در سال ۱۵۰ هجري قمری در هفتاد

سالکی در بغداد بدرواحیات گفت ،مذهب فقهی او بر چهار اصل ، کتاب ، سنت ، قیاس و استحسان مبتنی شده است.

دکتر مصبحی محمسانی در مورد ابوحنیفه می‌گوید: <sup>۱۴</sup> " ... فسرا گرفتن کلام و اشتغال به پیشه بازرگانی او را با استحکام رای و منطق و تطبیق احکام شرعی با قضایای عملی و توسع در احکام از راه قیاس و استحسان سخت توانائی بخشید از اینرو مذهب او بمذهب " اهل رای " آوازه یافت از او روایت شده است که گفت :

" این دانش ما " رای " است و بهترین چیزی است که بر آن دست یافته‌ایم اگر کسی جز این راه یابد عقیده او برای خودش و نظر ما برای خود ما باشد". و همو گوید: " هر آنچه در کتاب خدا و سنت پیامبر نباشد بگفتار صحابه می‌نگرم و از گفتار آنان عدول نکنم تا اینکه امر به ابراهیم و شعبی و ابن سیرین و حسن و عطا و سعید بن جبیر برسد که اجتهاد می‌کنند، من نیز مانند آنان اجتهاد می‌کنم".

حضور طولانی عبدا... بن مسعود (متوفی سال ۳۲ هـ) در عراق که گویا به استفاده از رای تمایل زیادی داشته و پر رفت و آمد بودن جامعه عراق که بر سر راه بوده و ارتباط تنگاتنگ عراق با ایسران و پیدایش موضوعات و مسائل مستحدثه و در دسترس نبودن احادیث به نسبت مدینه ، فقهاء عراقی را ناچار از عمل به رای برای دریافتن حکم شرعی می‌کرده است .<sup>۴۵</sup>

## اهل حدیث

اهل حدیث که در مقابل اهل رای قرار داشتند، از رای روی - گردان و متوجه احادیث بودند. در رای اینها مالک بن انس - قرار داشت . وی در سال ۹۵ هجری در مدینه متولد و جز برای انجام حج از آنجا خارج نشد و در سال ۱۷۹ هجری در همانجا بدرود حیات گفته و در بقیع دفن گردید. علت گرایش اینها به حدیث این بود که مدینه محل نزول وحی و مرکز پیامبر (ص) و محل همه صحابه رسول خدا بود از اینرو فقهای حجاز از دیگران به سنت آشناتر بودند.

کتاب معروف مالک "الموطاء" است که در آن هم حدیث وجود دارد و هم فقه . یکی دیگر از کتابهای منسوب به او "المدونه الکبری" است که شامل چندین رساله است و در آن سی و شش هزار مساله فقهی طرح شده است این کتاب را اسدبن الفرات نیشابوری ساکن تونس که شاگرد مالک بود جمع آوری کرده است .

دکتر صبحی محممانی گوید<sup>۱۶</sup> : "مالک در اجتهاد خود به قرآن حدیث استناد و اعتماد می کرد و از حدیث آن را می پذیرفت که صحّت سند آن و لویه خبر و احدنزد او به ثبوت رسیده بود و بعمل اهل مدینه و گفتار صحابه نیز اعتماد می کرد و جائیکه نصّ نبود بسوی قیاس و دلیل تازه و مخصوص به مذهب خود می گراشید که مصالح مرسله نامیده می شد یعنی آنچه سود عمومی را دارا باشد".

در این جا بی مناسبت نیست که با دو مذهب عمده دیگر اهل

سنت یعنی شافعیه و حنبلیه نیز آشنا شویم :

### مذهب شافعی

در راس این مذهب محمد بن ادریس شافعی قرار دارد. وی در سال ۱۵۰ هجری ( ۷۶۷ م ) در غزه یا عسقلان فلسطین بدنیا آمد و در سال ۲۰۴ هجری ( ۸۱۹ م ) وفات یافت . فقه را در مکه از مسلم بن خالد مفتی مکه آموخت و در مدینه از مالک بن انس علم و دانش فرا گرفت و در عراق از محضر محمد شیبانی صاحب ابوحنیفه برخوردار شد.

شافعی از شاگردان مبرزمالک ابن انس و ابرهه و او و اهل حدیث بود اما سفرها و تجربیات اش در وی موثر افتاد و مذهب خاصی را برای خود برگزید. روش فقهی شافعی از لحاظ اتکاء بسه حدیث و رای روشی بینابین است و بر اصول چهارگانه کتاب ، سنت ، قیاس و اجماع مبتنی است . او وقتی متوسل به قیاس می شد که در کتاب و سنت حکم مورد نظر را نمی یافت. در قبول حدیث شرایط سختی را که ابوحنیفه معتبر می دانست لحاظ نمی کرد و متقابلاً همچون مالک خبر واحد را هم نمی پذیرفت و دارای روشی میانه بود. وی عمل به اجماع را بر عمل به خبر واحد ترجیح می داد.

دو کتاب معروف شافعی " الام " و " الرساله " است که بسه دستور او و بوسیله ربیع بن سلیمان که از شاگردان اوست نوشته شده است " الام " کتابی است فقهی که در هفت جزء از مباحث گوناگون فقهی ، عبادات ، معاملات ، مسائل جزائی و ازدواج گفتگو کرده است. الرساله در مورد اصول فقه است و در آن از نصوص کتاب و سنت و ناسخ و منسوخ و واجبات و علل احادیث و شرایط قبول حدیث منقول

به خیر واحد و اجماع و اجتهاد و استحسان و قیاس بحث کرده است. از پیشوایان مذاهب خاصه ، احمد بن حنبل و داود ظاهری و ابو ثور بغدادی و ابو جعفرین جریر طبری ، در عراق از شافعی دانش را فرا گرفته اند.

معروفترین شاگردان او که در نشر آن مذهب دخالت داشته اند عبارتند از : ابویعقوب بویطی ( م ۲۳۱ ه ) و اسماعیل مزنی ( م ۲۶۴ ه ) و ربیع بن سلیمان مرادی ( م بسال ۲۷۰ ه ) راوی کتابهای شافعی و ... و بعد از آنان دانشمندان دیگری پیدا شدند که در پیشرفت مذهب شافعی موثر افتادند . از جمله آنها می توان از ابو- سحاق فیروزآبادی ( م ۴۷۶ ) مصنف کتاب المهدّب ، ابو حامد محمد غزالی ( م ۵۰۵ ) ، ابوالقاسم رافعی ( م ۶۲۳ ه ) مولف کتاب فتح - العزیز در شرح " الوجیز " و جلال الدین سیوطی و .... " نام برد.

شافعی به آل محمد (ص) و تشیع تمایل شدیدی داشت و مذهب فقهی او از میان چهارمذهب اهل سنت بیشتر به مذهب فقهی امامیه نزدیک است .

### مذهب حنبلی

بنیانگذار مذهب حنبلی ، احمد بن حنبل می باشد. وی در سال ۱۶۴ هجری قمری ( ۷۸۰ م ) در بغداد بدنیا آمد و در سال ۲۴۱ ه - ( ۸۵۵ م ) در همانجا بدرود حیات گفت . احمد بن حنبل ، حدیث و فقه را از شافعی و ابویوسف قاضی آموخت و به یمن و مدینه و مکه و بصره و کوفه و سوریه سفر کرد و در این شهرها به فراگیری حدیث پرداخت

و مجموعه بزرگی از احادیث را بنام " مسند امام احمد " جمع کرد. وی با پنج خلیفه عباسی هارون ، مامون ، معتمد ، واثق و منوکل معاصر بوده و بر اثر مخالفتی که با نظریه خلق قرآن داشت بدستور خلیفه وقت ( مامون یا واثق ) بزندان افتاد.

فقہ حنبلی بر پنج اصل زیر بنا شده است :<sup>۱۷</sup>

- ۱ - نصوص کتاب و سنت
- ۲ - فتوای صحابه در صورتیکه معارضی نداشته باشد.
- ۳ - عقیده، یکی از صحابه بشرط موافقت با کتاب و سنت
- ۴ - حدیث مرسل و ضعیف
- ۵ - قیاس

در مکتب فقهی حنبلی به حدیث اهمیت زیاد داده شده تا جائیکه برخی<sup>۱۸</sup> او را جزو محدثین بشمار آورده اند تا مجتهدین . احمد بن حنبل و پیروانش خبر مرسل و ضعیف را بر قیاس ترجیح می دادند. درست در نقطهء مقابل ابوحنیفه و اتباعش که دایره قیاس را چنان وسعت دادند که مجرد شباهت بین مقیاس علیه و مقیاس را برای ترتب حکم بر مقیاس کافی دانستند.

بوسیله ابن تیمیه و شاگردش ابن قیم جوزی از فقیهان حنبلی قرن هشتم هجری تمام حجاز دارای این مذهب شدند و سپس در قرن دوازدهم هجری ( هیجدهم میلادی ) ، محمد بن عبدالوهاب تمیمی نجدی ( ۱۱۱۵ - ۱۲۰۶ ) با تجدیدنظر در مذهب حنبلی، مذهب جدیدی پدید آورد که بنام مذهب وهابی مشهور شد و در زمان عبدالعزیز



آل سعود از رواج بیشتری برخوردارگشت و امروز در عربستان ایمن مسلک ، رسمیت دارد.

### پیشوایان شیعه در عصر تابعان و تابعان تابعین

حضرت ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین باقر علوم الاولیسن و الاخرین علیه السلام ( ش ۱۱۴ ) و حضرت ابو عبدالله جعفر بن محمد الصادق علیه السلام ( ش ۱۴۸ ) در این عصر بوده اند . امام صادق علیه - السلام پانزده سال از عمر شریف خود را در زمان حکومت بنی امیه بسر برد و بقیه را در زمان خلافت عباسیان ، پیشوایان مذاهب چهارگانه اعم از آنهائیکه او را بعنوان استاد درک کرده اند مانند ابوحنیفه و مالک بن انس و چه آنهائیکه او را درک نکرده اند بر برتری دانش و علم او اعتراف داشته اند . امام باقر و امام صادق علیهم السلام بزرگترین نهضت علمی را در جهان بوجود آورده اند .

حضرت امام موسی کاظم علیه السلام ( ش ۱۸۳ ) و حضرت علی بن موسی الرضا ( ض ۲۰۳ ) و حضرت محمد الجواد ( ش ۳۲۵ ) در دوره تابعان تابعین بوده اند . امام جواد ( ع ) در علم فقه در زمان خودش بی نظیر بود . روزی مامون خلیفه عباسی از یحیی بن اکثم که در آن روزگار از اعلی دانشمندان اهل سنت بود ، خواست که از امام جواد علیه السلام مسائلی را پرسش نماید که او از پاسخ به آنها عاجز باشد ، یحیی بعد از اجازه از امام عرض کرد : نظر شما چیست در باره ، کسی که در حال احرام شکاری را بکشد ؟ امام در پاسخ فرمود : آیا او در حرم بود یا خارج آن ؟ عالم بود یا جاهل ؟ عامد بود یا غافل ؟

آزاد بودیابنده ؟ صغیر بود یا کبیر ؟ آغازکننده به کشتن بود یا در مقام دفاع ؟ آیا شکار از پرندگان بود یا از غیر آنها ؟ کوچک بود یا بزرگ ؟ از کار خود پشیمان بود یا نه ؟ در شب انجام شد یا روز ؟ در حج بود یا عمره ؟ ...

یحیی بن اکثم شگفت زده شد و ناتوانی در چهره اش نمایان شد. بگونه ای که همگان از آن آگاهی پیدا نمودند. حضرت جواد (ع) به یحیی فرمود: چه می گوئی در باره مردی که صبح زنی بر او حرام بود و چون آفتاب بالا آمد بر او حلال شد و پیش از ظهر بر او حرام و ظهر بر او حلال و عصر بر او حرام و غروب بر او حلال و نصف شب بر او حرام و طلوع فجر بر او حلال شد و چون آفتاب طلوع کرد بر او حرام و پیش از ظهر بر او حلال شد؟

یحیی و بقیه حاضران در مجلس از پاسخ درماندند. مامون از حضرت خواست که خود او پاسخ دهد و امام (ع) پاسخ آنرا بیان فرمود. امام دهم حضرت هادی علیه السلام (ش ۲۵۴) و امام یازدهم حضرت حسن عسکری علیه السلام (ش ۲۶۰) در این دوره زندگی می کردند. در سال ۲۶۰ هجری غیبت صغری امام مهدی روحی لتراتر اب مقدمه الفداء، شروع شد و بمدت ۶۹ سال بطول انجامید. در این زمان شیعیان پاسخ مسائل مورد نیاز خود را از طریق چهار نفر که نایبان خاص حضرت بودند، دریافت می کردند.

### اسامی نایبان خاص امام زمان علیه السلام

ابوعمر و عثمان بن سعید، پس از او فرزندش محمد بن عثمان بن

سعید ( م ۳۰۴ ) ، بعد از او ابوالقاسم بن روح نوبختی ( م ۳۲۶ ) و پس از او ابوالحسن علی بن محمد سمري ( م ۳۲۹ ) .  
در سال ۳۲۹ با وفات محمد سمري ، غیبت کبری امام زکمان علیه السلام شروع شد که تا کنون ادامه دارد. در این دوره شیعیان به نایبان عام او یعنی فقیهان در طول زمان تا این عصر مراجعه می کنند و پاسخ مورد نیاز خود را از آنها دریافت می دارند.

#### نام برخی از فقهای مشهور زمان تابعان

۱ - قاسم بن محمد بن ابی بکر ( م ۱۰۱ ) فقیه مدینه . در مقدمه شرح لمعه آمده است :<sup>۱۹</sup> ( و فی کتاب الکافی عن یحیی بن جریر قال : قال ابو عبدالله الصادق علیه السلام : کان سعید بن المسیب والقاسم بن محمد بن ابی بکر و ابو خالد الکابلی من ثقات علی بن الحسین علیه السلام " .

۲ - ابان بن تغلب ( م ۱۴۱ ) .

۳ - محمد بن مسلم ( م ۱۵۰ ) و ...

#### نام برخی از فقهای مشهور زمان تابعان تابعین

۱ - یونس بن عبدالرحمن

۲ - محمد بن ابی عمیر ( م ۲۱۷ )

۳ - صفوان بن یحیی بجلي ( م ۲۱۰ )

۴ - ابوبصیر لیث المرادی

۵ - حسن بن علی و شاء

- ۶ - زراره بن اعین
- ۷ - علی بن مهزیار اهوازی
- ۸ - جمیل بن درّاج
- ۹ - فضل بن شاذان نیشابوری ( م ۲۶۰ )
- ۱۰ - هشام بن حکم ( م ۱۵۵ ) و....

### ادوار فقه امامیه

در مورد ادوار فقه امامیه ، طبقه بندی و تقسیمات مختلفی صورت گرفته است که برای نمونه به چند نوع آن بصورت فهرست وار اشاره کرده و سپس یکی از آنها را اصل قرار داده و پیرامون آن توضیح خواهیم داد.

شیخ عبداللطیف عاملی در رجال خود فقهاء و رواه را شش طبقه

دانسته است :

- ۱ - طبقه شیخ مفید
  - ۲ - طبقه شیخ صدوق
  - ۳ - طبقه شیخ کلینی
  - ۴ - طبقه سعد
  - ۵ - طبقه احمد بن محمد بن عیسی
  - ۶ - طبقه ابن ابی عمیر
- مجلسی اول ، طبقات را دوازده طبقه قرار داده و بقرار زیر آنها را آورده است :

- ۱ - طبقه شیخ طوسی و نجاشی و اضراب آن دو .

- ۲ - طبقه شیخ مفید و ابن غضائری و امثال ایشان
- ۳ - طبقه شیخ صدوق و احمد بن محمد بن یحیی و اشباهشان
- ۴ - طبقه شیخ کلینی و امثال او.
- ۵ - طبقه محمد بن یحیی و احمد بن ادريس و علی بن ابراهیم و نظائر آنان .
- ۶ - طبقه احمد بن محمد بن عیسی و محمد بن عبدالجبار و احمد بن خالد و اقران ایشان.
- ۷ - طبقه حسین بن سعید و حسن بن علی و امثال ایشان.
- ۸ - طبقه محمد بن ابی عمیر و صفوان بن یحیی و نصر بن سويد و نظائر شان یا اینکه طبقه هشتم ، اصحاب موسی بن جعفر (ع).
- ۹ - طبقه اصحاب ابی عبدالله المادق ( ع ) .
- ۱۰ - طبقه اصحاب ابی جعفر الباقر (ع).
- ۱۱ - طبقه اصحاب علی بن الحسین (ع).
- ۱۲ - طبقه اصحاب حسین و امیرالمومنین علیهم السلام<sup>۲۰</sup>
- آقای سید محمد کلانتر، مهمترین مدارس فقه شیعی را بر شش قسم تقسیم کرده و آنها را مورد بررسی و تحقیق قرار داده است.<sup>۲۱</sup>
- ابتدا آنها را ذکر کرده و سپس در مورد هر مدرسه در حد یک مقاله توضیح می دهیم :

۱ - مدرسه مدینه منوره

۲ - مدرسه کوفه

۳ - مدرسه قم وری

۴ - مدرسه بغداد

۵ - مدرسه نجف اشرف

۶ - مدرسه حلّه

۷ - مدرسه کربلا

### ۱ - مدرسه محینه منوره

مدینه منوره بعنوان وطن اول فقهاء شیعه از صحابه و تابعیین آنها محسوب می شود. شخصیت های برجسته ای چون ابن عباس ، سلمان فارسی ، ابوذر غفاری ، ابورافع ابراهیم مولى رسول الله ( ص ) ، سعید بن مسیب ، قاسم بن محمد بن ابی بکر و ابو خالد کابلی در این مدرسه مورد مطالعه قرار می گیرند. این مدرسه تا اواسط قرن دوم یعنی حیات امام صادق علیه السلام استمرار داشته است.

### ۲ - مدرسه کوفه

در اواخر حیات امام صادق (ع) ، مدرسه فقه شیعی از مدینه به کوفه منتقل شد و حیات فقهی جدیدی در کوفه آغاز شد. در ایام حکومت ابی العباس سفاح ، امام صادق (ع) به کوفه منتقل شد و با نظر سقوط بنی امیه و ظهور بنی عباس و درگیری آنان با یکدیگر ، امام علیه السلام ، از فرصت بدست آمده نهایت استفاده را کرده و با تشکیل جلسات درس و بحث به نشر مذهب شیعی مشغول شد. حسن بن علی بن زیاد و شاء به ابن عیسی قمی می گوید: من در مسجد کوفه نهصد شیخ را دیدم که هریک می گفتند: حدیث کرد بر من جعفر بن محمد علیهما السلام .

در بین اصحاب امام صادق (ع) ، از فقهای کوفه ، می توان از ابان بن تغلب و محمد بن مسلم کوفی یاد کرد. ابان بن تغلب سی هزار حدیث از امام صادق (ع) روایت کرده است و محمد بن مسلم کوفی چهل هزار حدیث از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت کرده است . فضل بن شاذان نیشابوری قمی ( م ۲۶۰ هـ قمری ) نویسنده کتاب الايضاح و یونس بن عبدالرحمن وزراره بن اعین و جمیل بن دراج از فقهای این دوره محسوب می شوند.

از ویژگیهای مهم این مدرسه ، تعیین موازین و مقیاسهای خاصه اجتهاد و استنباط از طرف ائمه اهل بیت علیهم السلام می باشد مانند استصحاب ، برائت ، احتیاط ، تخبیر و دیگر قواعد فقهی مانند قاعده طهارت ویدوابعه و حلّیت و نظیر اینها از چیزهاییکه در اجتهاد و استنباط به فقیه کمک می کند.

مدرسه کوفه که از اواسط قرن دوم یعنی حیات امام صادق علیه السلام شروع شده بود تا ربع اول از قرن چهارم یعنی غیبت کبری استمرار داشته است.

### ۳ - مدرسه قم وری

این مدرسه از زمان غیبت کبری و ربع اول قرن چهارم شروع و تا نیمه اول قرن پنجم یعنی ایام سیدمرتضی و شیخ طوسی ادامه پیدا می کند.

یکی از دلایل انتقال مدرسه اهل بیت علیهم السلام از عراق به ایران ، سختگیری و ایذاء و اذیت بیش از حد عباسیان به علماء و

فقهاء شیعه می باشد. در این زمان حرکت تدریس و بحث و کتابت به دو شهر قم وری منتقل شده و اساتیدگرانقدری در این دو شهر ظهور می کنند که سهم عظیمی در روند تکاملی فقه اهل بیت (ع) ایفاء می کنند. شهر قم از زمان ائمه (ع) شیعه نشین و حصنی از حصون شیعه و عش آل محمد (ص) و محل عنایت خاصه اهل بیت علیهم السلام بوده است. این شهر در اوان عصر غیبت و عهد نیابت (نواب اربعه) مرکز اجتماع علماء و فقهای شیعه بوده.

در عظمت مدرسه قم همین قدر کفایت می کند که علامه حلی در شرح خود بر من لایحضره الفقیه، گفته است: " در زمان علی بن حسین بن موسی بن بابویه (متوفی بسال ۳۲۹) دویست هزار مـرود محدث در قم بودند".

اینک به اسامی چند تن از فقهاء و محدثین شیعه مدرسه قم اشاره می کنیم:

### ۱ - علی بن ابراهیم

وی در حدیث استاد و شیخ، کلینی می باشد و از جمله کتابهای اوست: قرب الاسناد، کتاب الشرایع و کتاب الحیض.

### ۲ - محمد بن یعقوب کلینی

کلینی معاصر علی بن حسین بن بابویه، پدر شیخ صدوق می باشد که هر دو در سال ۳۲۹ به ملکوت اعلی پیوسته اند. بزرگترین اثری که از وی برجای مانده است " الکافی فی الاصول و الفروع " می باشد که



یکی از کتب اربعه شیعه بوده و اولین اثر بزرگ از لحاظ جمع و تبویب حدیث و تنظیم ابواب فقه و اصول می باشد.

شیخ مفید در مورد کتاب کافی گفته است : من اجل کتب الشیعه و اکثرها فائده "

### ۳ - ابن قولویه

ابوالقاسم جعفر بن محمد بن جعفر بن موسی بن قولویه ( ۲۸۵ - ۳۶۸ هـ ) از شاگردان مرحوم کلینی و استاد شیخ مفید می باشد.

### ۴ - آل ابن بابویه

از فقهاء و محدثین شیعه و مورد عنایت حجه القائم عجل الله تعالی فرجه و نائبان او بوده اند. علی بن بابویه قمی ، پدر شیخ صدوق از روسا و فقهای بزرگ مذهب بوده . علامه حلی او را شیخ القمیین و فقیه وثقه آنها در عصر خود دانسته است ابن ندیم در " الفهرست " آورده است که شیخ صدوق برای پدرش علی بن حسین ، دو بیست کتاب ذکر کرده است .

دو فرزند او ابو جعفر محمد که معروف به صدوق است و ابو عبدالله حسین از فقهاء و محدثین بزرگ شیعه می باشند. شیخ طوسی این دو برادر را ، دو فقیه زبردستی دانسته است که حفظ کرده اند چیزیرا که غیر آندو از اهل قم ، حفظ نکرده اند.

شیخ طوسی علاوه بر کتابهای مختلفی که برشته تحریر آورده با تالیف کتاب " من لایحضره الفقیه " دومین اثر عظیم حدیثی را به

عالم دانش و فقه و حدیث تقدیم کرده است . این کتاب یکی از کتب اربعه شیعه می باشد.

در قرن چهارم هجری دو دانشمند و فقیه بزرگ شیعی زندگی می کردند و بخاطر نقش عظیم آنها در رشد فقه اهل بیت علیهم السلام ، در این قسمت بمعرفی آنها می پردازیم :

### ابن ابی عقیل عمانی

ابو محمد حسین بن علی عمانی معروف به ابن ابی عقیل (متوفی سال ۳۲۹) نخستین کسی است که مسائل اصولی و بحثهای اجتهادی را بگونه علمی و فنی مطرح و تدوین نموده است وی در این زمینه کتابی دارد بنام "المتمسک بحبل آل الرسول" . ابن ابی عقیل معاصر مرحوم کلینی و علی بن بابویه قمی است . آیت ... جناتسی در مورد او نوشته است: <sup>۲۳</sup> "مهمترین کار علمای پیش از او بیان احکام از راه ظواهر نصوص و احادیث بوده و از محدوده آنها خارج نمی شدند و تنها کار فقیه درک و فهم معانی بوده نه تفریس ( بازگشت دادن فروع تازه به اصول پایه) و تطبیق ساختن قوانین کلی بر مصادیق خارجی آنها" .

علی بن ابراهیم قمی و یونس بن عبدالرحمن از جمله عالمان پیش از ابن ابی عقیل بودند که در مقام بیان احکام شرعی از محدوده نقل نصوص خارج نمی شدند. البته باید متذکر شد که پیش از ابن ابی عقیل نیز برخی از پیروان امامان بعضی از مسائل اصولی و عناصر مشترک اجتهادی را تدوین کرده اند که هیچکدام جامع نبوده (یعنی

در بر گیرنده همه مسائل اصول نبوده ) ، از جمله : هشام بن حکم کوفی شیبانی ( م ۱۹۹ ) از اصحاب امام صادق (ع) در مبحث الفاظ ، رساله‌ای تدوین نموده است و یونس بن عبدالرحمن از اصحاب امام رضا (ع) رساله‌ای در تعادل و تراجیح دارد، و فضل بن شاذان از اصحاب امام هشتم و امام هادی (ع) رساله‌ای در مبحث اجتماع امر و نهی، و ابو سهل نوبختی از اصحاب امام حسن عسگری (ع) رساله‌ای در زمینه عام و خاص تالیف نموده‌اند .

#### ابن جنید

ابوعلی محمد بن الجنید الاسکافی معروف به ابن جنید (متوفی بسال ۲۸۱) از جمله مجتهدانی است که راه و شیوه ابن عقیل را تا دوام بخشیدند . کتاب " تهذیب الشیعه لاحکام الشریعه " در بیست جلد که مشتمل بر جمیع ابواب فقه است از تالیفات اومی باشد .  
در اصطلاح فقهای شیعه ، ابن ابی عقیل و ابن جنید را قدیمیین می گویند .

#### ۴ - مدرسه بغداد

بغداد مرکز حکومت عباسیان بوده و دارای مدارس ، مکاتب و مساجد زیادی بود که طلاب و مدرسین و علمای زیادی در آنها مشغول درس و بحث و مطالعه بودند . ضعف حکومت عباسیان در قرن پنجم هجری و ظهور شخصیت‌های بزرگ فقه شیعی مانند شیخ مفید و سیدمرتضی از طرفی ، موجب شد که فقهاء شیعه فرصت را مغتنم

شمرده و دست به انتشار فقه اهل بیت (ع) بزنند و بحث های فقهی را بصورت آشکار مطرح نمایند.

ویژگیهای این دوره :

۱ - مطرح شدن فقه بصورت یک صناعت علمی و فنی و خارج شدن آن از اکتفاء برنصوص کتاب و سنت .

۲ - جدا شدن بحثهای اصولی از فقهی و اولین کسیکه در این دوره دست به این کار زد سیدمرتضی می باشد هر چند که وی غالباً از مباحث الفاظ نظیر اوامر و نواهی و دلالات هیئات الفاظ و مواد آن تجاوز نکرده است .

۳ - تفریع مسائل فقهی و استحداث فروع تازه ای که نصوص روایات ، متعرض آنها نشده بود و شیخ طوسی اولین فقیهی است که در کتاب " مبسوط " اش دست به این تجربه زده است .

۴ - ظهور فقه مقارن و تطبیقی . این نوع بحث فقهی در این عصر اولین بار توسط شیخ مفید و سید مرتضی و شیخ طوسی انجام گرفته است . شیخ طوسی با نوشتن کتاب ارزشمند " خلاف " که در آن مسائل فقهی را در ابواب مختلف از دیدگاه مذاهب اسلامی با ذکر مستندات آنها مورد بحث قرار داده است ، مهمترین گام را در این زمینه برداشت .

۵ - هر چند در دوره های گذشته از اجماع بعنوان یک دلیل استفاده می شد ولی در این دوره بصورت آشکارتری به آن احتیاج شده مخصوصاً در کتابهای شیخ طوسی این مطلب بوضوح قابل ملاحظه است .

## ۵ - مدرسه نجف اشرف

مدرسه نجف اشرف بدست فقیه نامدار شیعه ، شیخ الطائفه محمد بن حسن طوسی بنیان گذاری شده است . وی در سال ۲۸۵ هجری در شهر طوس متولد و چهار سال پس از رحلت صدوق در سال ۴۰۸ به بغداد هجرت نمود. در آن زمان زعامت مذهب جعفری با شیخ الامه و علم الشیعه محمد بن محمد النعمان معروف به شیخ مفید بود. شیخ طوسی تا پایان عمر مرحوم شیخ مفید ملازم ایشان بود. در سال ۴۱۳ - هجری شیخ طوسی به دیار باقی شتافت و زعامت شیعه به شاگرد او سیدمرتضی منتقل شد. پس از ارتحال سیدمرتضی در سال ۴۳۶ هجری زعامت شیعه به شیخ طوسی رسید. تا اینکه حوادث ناگوار بغداد بوجود آمد. با توسعه فتنه و اختلاف و سوزاندن کتابهای شیخ طوسی و ... شیخ الطائفه به نجف اشرف مهاجرت نمود و مدرسه فقهی خود را بنیان گذاشت . او تالیفات زیادی در زمینه های مختلف دارد. در فقه کتابهای المبسوط ، خلاف و نهاییه و در زمینه احادیث ، تهذیب واستبصار که هر دو از کتب اربعه شیعه محسوب می شوند و در علم رجال کتابهای الرجال و الفهرست و در علم کلام ، المفتح و در تفسیر کتاب تبیان و در علم اصول کتاب عده الامول را نوشته است .

شیخ طوسی بحثهای اصولی را از بحثهای فقهی جدا کرده و فقه را از قالب روایات خارج و اجتهاد را بصورت یک صناعت علمی درآورد.

## ۶ - مدرسه حلّه

این مدرسه از زمان سقوط بغداد بدست هولاکوخان مغول شروع و تا حیات شهید ثانی استمرار داشته است . بعد از سقوط بغداد به دست هولاکوخان طلاب و علما ، و فقها به شهر حلّه رفته و حلقه های درس و بحث را در آنجا تشکیل دادند فقهای بزرگی در این مدرسه ظهور کرده و تاثیر عمیقی در رشد تکاملی اصول و فقه امامیه و تنظیم ابواب فقه ایفاء نمودند. در این مدرسه است که میراث فقهی شیخ طوسی از حالت پراکندگی خارج و بصورت اصولی و منظم مدون و مرتب می شود. از جمله فقهاء مدرسه حلّه ، محقق حلی و علامه حلّسی و فرزندش فخرالمحققین و ابن ابی الفوارس و شهید اول و ابن طاووس و ابن ورام می باشند که همگی از فحول فقهای امامیه محسوب می شوند. هر چند مدرسه حلّه استمرار مدرسه بغدادی باشد ولی خسود دارای ویژگیهایی است که به آنها اشاره می کنیم :

۱ - تنظیم ابواب فقهی : نخستین تقسیم و دسته بندی ابواب فقه را شیخ طوسی در کتاب " مبسوط " انجام داده ولی در آن نوعی اضطراب و تشویش وجود دارد و نخستین تقسیم بندی ابواب و رووس مسائل فقه بصورت دقیق تر در مدرسه حلّه توسط محقق حلی انجام گرفته است .

وی در کتاب شرایع الاسلام ، ابواب فقه را بر چهار قسم دانسته

است :

۲۵

عبادات ، عقود ، ایقاعات و احکام

۲ - تدوین کتابهای جامع فقهی ، مخصوصا کتاب ارزشمند

الذکره الفقهاء " در فقه تطبیقی و مقارن که توسط علامه حلّی برشته تحریر در آمد که تا کنون نیز اثری بدان احکام و وسعت در فقه مقارن نوشته نشده است.

۳ - پیدا شدن اختلاف بین فقهای امامیه که دلیل آن دور شدن از عصر امام معروم علیه السلام و مناقشه در صحت و سلامت روایات از حیث سند و دلالت می باشد.

در این زمان علامه حلّی مسائل اختلافی فقهای طائفه امامیه را در کتاب " مختلف " جمع کرد و این کتاب پیوسته مورد مراجعه فقهاء در طول تاریخ فقه بوده است .

#### ۷ - مدرسه کربلا

این مدرسه از زمان حضور وحید عصر و فرید دهر، مرحوم مسلّم محمد باقر بهبهانی معروف به وحید بهبهانی بنیانگذاری شده و از فقهای بزرگی که همگی از اعلام طائفه امامیه هستند و مربوط به این مدرسه می باشند می توان کاشف العطاء ، سید بحر العلوم ، میرزا مهدی شهرستانی ، سعیدالعلماء ، شریف العلماء و سید صاحب - الریاض و... را نام برد.

دوره ای که وحید بهبهانی در آن ظهور کرد دوره تحول فقه امامیه نامیده شده است . برای دانستن اهمیت کار بزرگ او ابتدا مقدمه ای ذکر می کنیم : در قرن یازدهم توسط ملاً محمّدامین استرآبادی مسلکی بنیانگذاری می شود که به اخباریگری معروف است . وی کتاب " الفوائد المدنیّه " را نوشته و در این کتاب اعتراض به

روش اصولیین را آغاز و در کتابهای دیگرش آن را دنبال نموده است. اخباری ها اجتهاد را امری حرام دانسته و در استفاده از حدیث به ظاهر آن توجه کرده و جمود فکری داشتند مثلا امام صادق (ع) پس از مرگ فرزندش اسماعیل دستور داد که بر کفن او بنویسند :

" اسماعیل شهادت می دهد که خدائی جز خدای یگانه نیست و... علماء اخباری دستور می دهند به تبع از حدیث ، بر کفن هر میتی نوشته شود " اسماعیل یشهد ان لا اله الا الله " .

متأسفانه روش اخباریگری بر حوزه های شیعی مدتی تسلط پیدا کرد و موجب کند شدن حرکت اصولی و اجتهادی گردید ولی در این زمان هم بزرگانی در صحنه اجتهاد قدم گذارند و کتابهای ارزشمندی را تالیف نمودند که برای نمونه به بعضی از آنها اشاره می کنیم.<sup>۲۶</sup>

۱ - فاضل تونی ( م ۱۰۷۱ ) صاحب الوافیه فی الاصول

۲ - سید صدرالدین قمی ( م ۱۰۷۱ ) که شرحی بر وافیه دارد و از اساتید وحید بهبهانی می باشد.

۳ - سید حسین خوانساری ( م ۱۰۹۸ ) صاحب کتاب مشارق .

الشموس

۴ - علامه حسین بن رفیع محمد حسینی شهسوریه سلطان العلماء ( م ۱۰۶۴ ) صاحب حاشیه بر معالم الاصول .

ولی گامهای اساسی برای مبارزه با اخباریگری توسط مجتهد عالیقدر و اصولی کم نظیر مرحوم آقا محمد باقر اصفهانی معروف به وحید بهبهانی برداشته شد.

در کتاب مروری بر تاریخ فقه و فقهاء آمده است :<sup>۲۷</sup> " اهمیت



وحید بهبهانی در احیاء روش اجتهاد و مبارزه با اخباریان است، ما و که در دوره بعد از صفویه می زیسته از ایران به عراق رفته و در کربلا حوزه درسی دایر کرد و روش اصولیان را که بر اثر رواج روش اخباری روبرو افول نهاده بود زنده کرد... او دانشمندانی چون سید مهدی بحر العلوم شیخ جعفر کاشف الغطاء، میرزای قمی (صاحب قوانین)، ملا مهدی نراقی، سید علی صاحب ریاض، میرزا مهدی شهرستانی و سید جواد صاحب مفتاح الکرامه را تربیت کرد که هر یک منشاء آثار دینی و علمی مهمی شدند."

آیه... جناتی، ظهور شیخ اعظم مرتضی انصاری (م ۱۲۸۱ هـ ق) را دوره دیگری برای ادوار اجتهاد امامیه دانسته و تحت عنوان دوره هفتم از ادوار اجتهاد پیرامون آن بحث کرده<sup>۲۸</sup> است. و معتقد است که این دوره تا زمان حضرت امام خمینی قدس الله نفسه الزکیه ادامه یافته است.

شیخ اعظم انصاری از سال ۱۲۶۶ تا ۱۲۸۱ بمدت پانزده سال مرجعیت عام شیعه را بعهدہ داشت.

در مقدمه کتاب "زمین در فقه اسلامی" آمده است: "شیخ - انصاری مباحث اصول عملی اصول فقه را به میزانی شگرف تبسیط کرد و با موشکافی ها و دقت های بی نظیر آن را به شکل فنی بسیار ظریف درآورد و بر اساس علمی مستحکمی بنیاد نهاد. سپس فقه را بخصوص در مبحث معاملات بر همان روش اصولی تفریح نمود. نتیجهٔ مجموعه فقهی وی بشکل چنان دقیق و ظریف درآمد که بالذکر نا سبب سابق گردید... مکتب شیخ انصاری تا کنون بر جوامع علمی شیعه حکم فرماست

و با وجود پیدایش شخصیت های بزرگ حقوقی در فقه شیعه، طرح کلی که وی پایه ریزی کرد تا به این روزگار تغییر نکرده و همچنان اساس کار فقه و اصول فقه شیعی است، کتابهای او مانند "فرائد الامول" که به رسائل معروف است و "مکاسب" و... همواره مورد مراجعه و بحث و تدریس است. مهمترین شاگردان و پیروان مکتب او که تا کنون جریان فقهی و حقوقی شیعی را رهبری کرده اند عبارتند از:

حبیب بن محمد علی رشتی (م ۱۳۱۲) نگارنده الالتقاطات

محمد حسن بن محمود حسینی، میرزای شیرازی (م ۱۳۱۲)

رضا بن محمد هادی همدانی (م ۱۳۲۲) نگارنده مصباح الفقیه

محمد کاظم بن حسین خراسانی، معروف به آخوند خراسانی

(م ۱۳۲۹) نگارنده حاشیه ای بر مکاسب و کفایه الاصول.

محمد کاظم بن عبدالعزیز یزدی طباطبائی (م ۱۳۳۷) نگارنده

العروه الوثقی و حاشیه ای بر مکاسب

محمد تقی بن محب علی شیرازی (م ۱۳۳۸) نگارنده حاشیه ای بر

مکاسب

محمد حسین بن عبدالرحیم نائینی (م ۱۳۵۵)

عبدالکریم بن محمد حائری یزدی (م ۱۳۵۵) نگارنده کتاب الصلاه

ضیاء الدین محمد عراقی (م ۱۳۶۱) نگارنده شرح التبصره

محمد حسین بن محمد حسن اصفهانی کمپانی (م ۱۳۶۱) نگارنده

حاشیه ای بر مکاسب.

ابوالحسن بن محمد موسوی اصفهانی (م ۱۳۶۵) مولف وسیله النجاه

حسین بن علی طباطبائی بروجردی ( م ۱۳۸۰ )

محسن بن مهدی طباطبائی حکیم ( م ۱۳۹۱ ) نگارنده مستمسک -

العروه الوثقی و نهج الفقاهه " .

آیت ... جنائی<sup>۳۰</sup> همچنین ، هشتمین دوره از ادوار اجتهاد را ، دوره کلّیت کاربرد اجتهاد با شیوه نوین آن در برابر رویدادها دانسته و مجتهد فرزانه و فقیه برجسته حضرت امام خمینی قدس الله نفسه - الزکیه رابحّ طلایه دار و رهبر فکری این دوره در ابحاث اجتهادی می داند .

در این دوره ، ده ها قرن ، زحمات ، مجاهدات و تلاشهای مجاهدان و فقیهان بی‌شمر نشسته و بدست فقیه نامدار حضرت امام خمینی قدس سرّه ، حکومت اسلامی تشکیل گردید ، و امام خمینی قدس سرّه بحثهای فقهی را از محدوده اعمال فردی خارج و حکومت را بعنوان فلسفه عملی فقه اسلام مطرح نمودند .

با تشکیل حکومت اسلامی انبوهی از مسائل فردی ، اجتماعی ، سیاسی ، فرهنگی ، حقوقی ، کیفری ، جزائی ، روابط بین‌المللی و ... مطرح گردید و فقهاء می بایست پاسخگوی آنها باشند . حضرت امام خمینی با تاکید بر نقش دو عنصر زمان و مکان در اجتهاد ، توانائی اسلام را در اداره جامعه و پاسخگویی به چنان سئوالات و مشکلاتی باثبات رساند ...<sup>۳۱</sup>

## منابع و مأخذ

- ۱ - آشنائی با علوم اسلامی اصول فقه ، فقه شهیدمطهری ص ۷
- ۲ - سوره بنی اسرائیل آیه ۴۴
- ۳ - سوره توبه آیه ۱۲۳
- ۴ - ادوار فقه محمودشهابی جلد اول ص ۴۵
- ۵ - تاریخ فقه جعفری ( کلیات فقه ) هاشم معروف، الحسین ص ۶
- ۶ - فلسفه قانونگذاری در اسلام دکتر صبحی محمضانی ترجمه —  
اسماعیل گلستانی ص ۱۵۵
- ۷ - تاریخ اجتهاد و تقلید سیداحمد میرخانی ص ۴۹
- ۸ - تاریخ اجتهاد و تقلید سیداحمد میرخانی ص ۴۹
- ۹ - ادوار فقه محمود شهابی جلد اول ص ۴۴
- ۱۰ - ادوار اجتهاد از دیدگاه مذهب اسلامی محمد ابراهیم جناتی
- ۱۱ - رجوع شود به ادوار فقه جلد اول محمودشهابی ص ۳۹۲ و تاریخ  
اجتهاد و تقلید سیداحمد میرخانی ص ۵۸
- ۱۲ - مقدمه شرح لمعه سیدمحمدکلانتر ص ۲۷ بنقل از اعیان الشیعه  
جلد ۱ القسم الثانی ص ۳۴ - ۳۵
- ۱۳ - برای توضیح بیشتر به کتاب ادوار اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی  
نوشته آیت ا..... جناتی مراجعه شود.
- ۱۴ - فلسفه قانونگذاری در اسلام دکتر صبحی محمضانی ترجمه اسماعیل  
گلستانی ص ۳۶ و ۳۷
- ۱۵ - رجوع شود به کتاب مروری بر تاریخ فقه و فقهاء تالیف دکتر  
محمد جعفری هرنندی ص ۱۷

- ۱۶ - فلسفه قانونگذاری در اسلام دکتر صبحی محممانی ترجمه اسماعیل گلستانی ص ۴۷
- ۱۷ - فلسفه قانونگذاری در اسلام دکتر صبحی محممانی ترجمه اسماعیل گلستانی ص ۵۵
- ۱۸ - رجوع شود به همان ماخذ ص ۵۴
- ۱۹ - مقدمه شرح لمعه سید محمدکلانتر ص ۲۸
- ۲۰ - نقل از کتاب ادوار اجتهاد جلد اول استاد محمودشهابی ص ۳۸۶ و ۳۸۷
- ۲۱ - مقدمه شرح لمعه سید محمدکلانتر ص ۲۵ به بعد ( مطالب این قسمت عمدتاً از مقدمه عربی ایشان اقتباس و بنحو اختصار نوشته شده است).
- ۲۲ - برای مطالعه بیشتر به کتاب " علم الاصول تاریخیاً و تطورااً " تألیف علی فاضل قاشینی از صفحه ۲۹ به بعد مراجعه شود.
- ۲۳ - ادوار اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی محمد ابراهیم جناتی و مراجعه شود به کتاب " علم الاصول تاریخیاً و تطورااً " تألیف علی فاضل قاشینی ص ۹۵ به بعد.
- ۲۴ - رجوع شود به دو ماخذ مذکور و مقدمه شرح لمعه سید محمدکلانتر
- ۲۵ - در رابطه با اساس این تقسیم بندی و کسب اطلاعات بیشتر در مورد ابواب مسائل فقهی که هر کدام تحت عنوان کتاب یسار می شوند ، به کتاب آشنائی با علوم اسلامی ، اصول ، فقه استاد شهید مطهری ص ۹۵ به بعد و به کتاب مبادی فقه و اصول تألیف دکتر علیرضا فیضی ص ۱۳۱ به بعد نگاه کنید.

- ۲۶ - ادوار اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی محمد ابراهیم جناتی
- ۲۷ - مروری بر تاریخ فقه و فقهاء دکتر محمدجعفری هرنندی ص ۱۷۲  
و ۱۷۳
- ۲۸ - ادوار اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی محمدابراهیم جناتی
- ۲۹ - زمین در فقه اسلامی جلد اول ص ۷۲ به بعد
- ۳۰ - ادوار اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی محمد ابراهیم جناتی  
ص ۴۰۷
- ۳۱ - برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به همان ماخذ ص ۴۰۷ به بعد

## توضیح پیرامون چند اصطلاح :

## قیاس

هرگاه بین دو موضوع ، شباهتی وجود داشته باشد و حکم یکی از آنها در شرع معلوم باشد، مقایسه کردن دیگری را برآن و اثبات حکم آن را برای این ، قیاس گویند. قیاس بر دو قسم است : منصوص العله و مستنبط العله قیاس منصوص العله، همان قیاس منطقی است که قطع آور است . در این نوع قیاس ، علت و فلسفه حکم ، توسط شارع مقدّس بیان شده است و جایی برای اجتهاد شخصی باقی نمی ماند. چنین قیاسی مورد قبول شیعه می باشد.

در قیاس مستنبط لعله ، علت در کلام شارع و قانونگذار ذکر نشده است. بلکه عقل آنرا درک و استنباط می کند. مثلا در حدیث آمده است : " برای مسلمان حلال نیست ، آنچه را که مسلمان دیگری خریده است ، او خریداری کند ". آیا می توان گفت مداخله در اجاره دیگری نیز جایز نیست ؟ حدیث شامل بیع است نه اجاره مگر اینکه علت حکم اول را استنباط بکنیم مثلا بگوئیم علت ممنوعیت دخالت در بیع دیگری ، بالا رفتن قیمت مورد معامله است و در نتیجه به زیان مشتری تمام خواهد شد. بعد بگوئیم همین علت در اجاره نیز وجود دارد یعنی اگر کسی در اجاره دیگری مداخله کند ، نرخ اجاره بها را بالا برده و موجب ضرر مستاجر خواهد شد و نتیجه بگیریم : مداخله در اجاره دیگران نیز ممنوع است . ( در این مثال بیع را اصل ، اجاره را فرع ، بالا رفتن نرخ را جامع و علت و ممنوع بودن را حکم گویند ) .

## استحسان

استحسان مشتق از حسن و در لغت به معنای نیک دانستن و پسندیدن است. استحسان یکی از منابع فقه فرقه‌های حنفی، مالکی و حنبلی است ولی مذاهب شیعه و شافعیه با آن سخت مخالفند. علمای اهل سنت تعاریف مختلفی از آن کرده‌اند که به دو مورد آن اشاره می‌کنیم:

۱ - ابوالحسن کرخی از علمای حنفی می‌گوید: استحسان آن است که در یک مسأله از حکمی که در نظائر آن است عدول نموده و بخلاف آن رای دهیم، بخاطر جهت قوی تر.

۲ - علمای حنبلی گفته‌اند: در مسأله‌ای، از حکمی که نظائر آن مسأله دارا هستند، به دلیل خاصی عدول کنیم.

خلاصه اینکه استحسان عبارت است از اینکه در جائیکه باقیاس یا قاعده کلی یا دلیل دیگر می‌توان حکم شرعی را استنباط کرد از آن صرف نظر کرده و بملاحظه مصلحت خاص مورد حکمی مخالف برای مسأله پیدا کنیم مثلاً هرگاه کسی حیوان دیگری را مشرف به مرگ ببیند آنرا سر ببرد که گوشت آن حلال باشد این کار اتلاف مال غیر و موجب ضمان است و حال آنکه استحسان و رعایت مصلحت ایجاب می‌کند که این کار جائز و بدون ضمان باشد.

محمد بن ادریس شافعی با استحسان سخت مخالفت کرده و در کتاب الرساله گوید: انما الاستحسان تلذذ یعنی استحسان حکم بر وفق میل و هوی و هوس است وی در کتاب "الام" می‌نویسد: "عمل بسنه استحسان برخلاف آیه: شریفه "ایحسب الانسان ان یترک سدی"



است یعنی آیا انسان می‌پندارد که ما او را آزاد کرده‌ایم. و هم‌و می‌گوید: "هرکس به استحسان عمل نماید، علیه خود اقامه برهان نموده‌است، زیرا معنای استحسان این‌است که خدا و پیامبر حکمی ندارند و باید به میل خویش رفتار کرد".

شیعه نیز به دلایل ذیل عمل به استحسان را جایز نمی‌داند:

- ۱ - آنرا از مصادیق اجتهادیه‌رای می‌داند.
- ۲ - دلیلی برجحیت آن وجود ندارد.
- ۳ - بربطلان آن اجماع وجود دارد.
- ۴ - وجود اخباری که دلالت بربطلان استحسان می‌کنند...

### مصالح مرسله

منظور از "مصالح مرسله" که گاهی از آن به "استصلاح" تعبیری می‌شود عبارتست از حکم نمودن و فتوی دادن بر مبنای مصلحت اندیشی و رعایت مصالحی که ملحوظ نظر شارع مقدس قرار نگرفته بلکه از دیدگاه شارع "رها شده" و حکمی به مقتضای آن صادر نگردیده است و داخل در هیچ حکم کلی و جزئی شارع قرار نگرفته‌است. مثلا به نظر فقهای حنبلی و حنفی، معامله شخصی که بدهی وی بیش از دارائیش باشد (دین مستوعب و دین مستغرق)، باطل است. مبنای فقهی این حکم مصالح مرسله است چون چنین شخصی ممکن است با مبادرت به بیع و هبه و صلح، خود را تهی دست ساخته و از این طریق موجب ضرر و زیان بر طلبکاران گردد و ایسن برخلاف مصالح است.

شیعه عمل به مصالح مرسله را باطل می‌داند چون طریقی است غیرقطعی و لذا ارزش و اعتباری ندارد و بر حجیت آن دلیلی اقامه نشده است .

محمد بن ادریس شافعی نیز عمل به آن را باطل دانسته چنانکه گفته است : " ... استنباط بر مبنای استصلاح باطل است و استصلاح مانند استحسان متابعت هوای نفس است " .

### سدّ ذرایع

" سدّ " به معنای جلوگیری کردن و " ذریعه " به معنای وسیله است . منظور حنا بله و مالکیه که سدّ ذرایع را یکی از منابع فقه می‌دانند این است که هر عملی که عادتاً منجر به مفسده‌ای می‌گردد، به استناد اصل فوق ، بایستی ممنوع اعلام گردد. به عبارت دیگر کارهای مباح و حلالی که وسیله انجام عملی حرام قرارگیرد، حرام و مہ نوع می‌باشد. دلیل حرام دانستن ورود زنان به مقبره و اماکن دفن اموات ، از نظر حنا بله همین اصل است چون ورود به چنین محل‌هایی جهت سوگواری ، منجر به کشف سرو صورت آنان بر اجنبی می‌گردد و کشف سرو صورت برای اجنبی ، عملی است حرام و لذا باید از مقدمات آن یعنی ورود به چنین محل‌هایی ، جلوگیری کرد .

شیعه عمل به سدّ ذرایع را باطل می‌داند همانطوریکه حنفیه و شافعیه به آن اعتقادی ندارند .

برای اینکه از حدیک مقاله خارج نشویم به همین مقدار بسنده می‌کنیم و علاقمندان می‌توانند برای دانستن بحث تفصیلی پیرامون منابع فقه ، به کتابهای اصول شیعه و اهل سنت مراجعه نمایند .